



# آیا نتیجه هنرهای سفارشی، اثر هنری تلقی می‌شوند؟

داریوش کیانی  
کارشناس عکاسی

هنر غیر سفارشی، هنرمند بر مبنای فکر و موضع‌گیری شخصی خود برای موضوع خود، تعیین ارزش می‌کند در حالی که در هنر سفارشی باید بتواند عقاید شخصی خود را موقتاً کنار بگذارد و خود را جای مخاطبان قرار دهد و بالاترین ارزشی را برای موضوع در نظر بگیرد که لازم است مخاطبان در نظر بگیرند. به عبارت ساده‌تر در جریان خلق یک اثر هنری سفارشی، لازم است هنرمند به جای جامعه مخاطبان فکر کند و مانند آن‌ها احساس کند ولو این که از ریشه با افکار آن جامعه اختلاف نظر داشته باشد. رسیدن به این درجه از درک و تفاهم، کاری است بسیار حساس و پیچیده و گاه بسیار سخت‌تر از خلق یک اثر هنری خود جوش، چرا که تصور می‌کنم رسیدن به هدف مشخص از طریق یک اثر هنری، بسیار مشکل‌تر از رسیدن به یک هدف نامحدود و یا غیر مشخص است.

نتیجه این که در یک هنر سفارشی، هنرمند وظیفه دارد تا فعل و انفعالات ذهن مخاطب را کنترل نماید در حالی که در هنر غیر سفارشی، وی الزاماً چنین وظیفه‌ای ندارد.

حالا بر می‌گردیم به سوال اول که آیا هنری که به دستور سفارش دهنده به انجام می‌رسد، هنر محسوب می‌شود یا خیر؟ با توجه به مطالبی که ذکر شد اجازه می‌خواهم نظر شخصی خودم را در قالب یک مثال عنوان نمایم. اگر یک هنرمند معمار، آسمان‌خراشی را به سفارش یک سرمایه‌گذار به گونه‌ای طراحی کند که احساسات مردم رهگذر بیرون از ساختمان از دیدن آن بنا، متبلور گردد و در روحیه و احساس افرادی که در درون آن کار و زندگی می‌کنند تاثیر مثبت بگذارد، بدون شک یک اثر هنری خلق کرده است.

چنین مطلبی در خصوص دست اندر کاران همه هنرها از قبیل اهالی تئاتر و سینما، آهنگ‌سازان، خوانندگان و نوازندگان، عکاسان،

می‌دانیم که دنیا تاکنون به هیچ تعریف قاطع و کاملی از هنر نرسیده است اما با این حال انسان‌ها برای بیان تفکرات و اندیشه‌های خود، تعاریفی از هنر را در مباحث خود دستاویز کرده‌اند.

اگر تعریف کلی هنر را بیان اندیشه‌ها و احساسات شخصی هنرمند بدانیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که عمدتاً ماحصل هنرهای سفارشی در زمره آثار هنری قرار نمی‌گیرند؛ چرا که در این گونه از هنرها معمولاً اهداف، تفکرات و سلاقی سفارش‌دهنده نیز لحاظ می‌شود. شاید چنین تحلیلی در مرحله اول درست و منطقی به نظر برسد اما به هیچ وجه، جامع و فراگیر نیست.

برای روشن‌تر شدن مطلب فوق، فکر می‌کنم بهتر است آن را از چند جهت مورد بررسی قرار دهیم و ابتدا به دلایلی می‌پردازیم که سفارش‌دهنده را در مسیر مقاصد خود به استفاده از هنر وادار می‌کند.

اصولاً مهم‌ترین هدف یک هنر سفارشی عبارت است از "تاثیرگذاری از پیش تعیین شده بر مخاطبان" تمام کسانی که هنر را برای نیل به مقصود خود به کار می‌گیرند به وضوح می‌دانند و یا به طور ضمنی درک کرده‌اند که برای انتقال هر مطلبی باید احساسات مخاطب تحت تاثیر قرار گیرد به عبارت دیگر عمدتاً عمل پذیرش در مخاطب زمانی اتفاق می‌افتد که نسبت به موضوع احساس مثبتی پیدا کرده باشد، این حس مثبت به طور ناخودآگاه می‌تواند از طریق ترفندهای هنری در ذهن مخاطب ایجاد شود.

اکنون اگر با دقت به عملکرد مجری این ترفندهای هنری بنگریم، متوجه خواهیم شد که وی برای ایجاد فعل و انفعالات دلخواه، در روح و ذهن مخاطبان خود، ظرافت‌های بسیاری را باید مدنظر قرار دهد.

به عقیده من مهم‌ترین نکته‌ای که راه هنر سفارشی را از هنر خود جوش یا غیر سفارشی جدا می‌کند، تفاوت در شیوه ارزش‌گذاری است بدین ترتیب که در یک



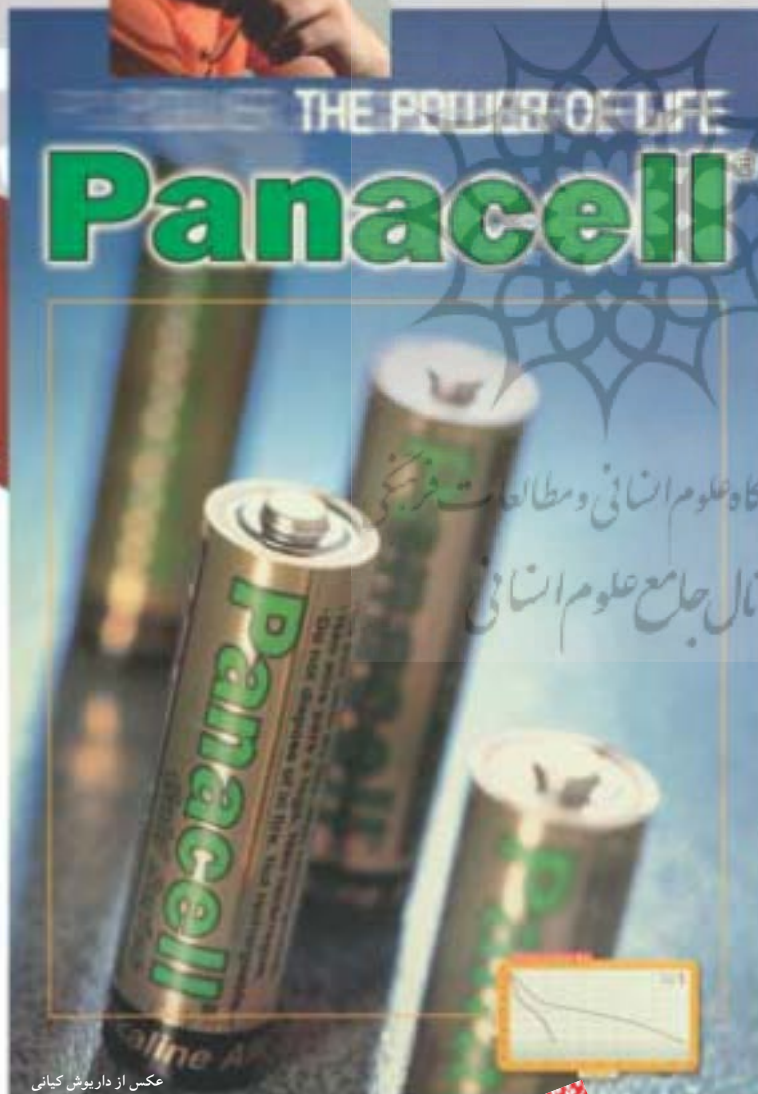
## Can we consider ordered art work as a real art work?



عکس از داریوش کیانی

گرافیکست ها، نقاشان و مجسمه سازان و... صدق می کند مهم این است که هنرمند بتواند تاثیر مورد نظر را در روح مخاطب خود بدمد.

نباید فراموش کنیم که سفارش دهنده معمولاً بدون آن که خود بداند، حداقل تاثیر گذاری را از هنرمند طلب می کند، حال آن که تاثیر گذاری بر مخاطب، حد و نهایی ندارد و تا جایی که هنرمند تبحر و خلاقیت داشته باشد، قدرت تاثیر گذاری هنر سفارشی می تواند افزایش یابد. مثال واضح این مدعا آثار لئوناردو داوینچی است که در زمره مهم ترین آثار هنری جهان نیز قرار دارند، وی تقریباً اکثر کارهایش را به صورت سفارش کار قبول کرده است.



عکس از داریوش کیانی

